

در ابتدای این دیدار، آقای رضامراد صحرای (سرپرست وزارت آموزش و پرورش) گزارشی ارائه کرد.

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا ابى القاسم المصطفى محمد و على آله الطيبين الطاهرين المعصومين سيما بقيه الله فى الارضين.

خیلی خوش آمدید برادران عزیز، خواهران عزیز، نمونه‌ای از برترین و شریف‌ترین قشرها و خدمتگزاران کشور، یعنی جامعه‌ی معلّمین کشور.

از بیانات این برادر عزیزمان، سرپرست محترم، تشکر میکنم؛ نکات بسیار خوب و مهمی را بیان کردند.

• همه‌ی اینهایی که گفتند توقعات ما است و شدنی است؛

یاد شهید عزیزمان مرحوم آیت‌الله مطهری را گرامی میدارم که به معنای واقعی کلمه یک معلّم بود.

• من توصیه میکنم نوشته‌های ایشان و تنظیم‌شده‌های سخنرانی‌های ایشان را، بخصوص معلّمین، حتماً نگاه کنند و بخوانند؛ خیلی به دردتان میخورد.

اولین مطلبی که در باب معلّم باید بنده امروز عرض بکنم، سپاس از جامعه‌ی معلّمان است؛

• این سربازان گمنام نظام اسلامی که در دورترین نقاط کشور، بی‌سروصدا، با سختی‌ها، با مشکلات فراوان، دارند کار میکنند.

• در گذشته هم معلّمین در آزمونهای گوناگون سربلند بیرون آمدند.

○ در دفاع مقدّس، معلّمین کشور نزدیک به پنج هزار شهید دادند؛

○ دانش‌آموزانی که غالباً تحت تأثیر نفّس گرم معلّمین به جبهه رفتند و شهید شدند، حدود ۳۶ هزار نفرند؛

کاری که معلّم بر عهده گرفته — معلّم متعهد — به نظر من مهم‌ترین کار در کشور است؛

• معلّم در واقع معمار آینده‌ی کشور است.

• اگر بتوانید انسان آگاه، عالم، اهل فکر کردن، اهل منطق، باایمان، بااراده، متشرّع، پایبند به اخلاق اسلامی، پایبند به تعهدات ملی تربیت کنید، بزرگ‌ترین خدمت به کشور انجام گرفته؛ یعنی واقعاً هیچ خدمت دیگری قابل مقایسه‌ی با این نیست.

• این قضیه‌ی تربیت نوجوانان ما، با توجه به هوش نوجوان ایرانی، ضریب پیدا میکند و اهمّیت مضاعف پیدا میکند.

چون راجع به این قضیه [نقش معلم] خیلی صحبت کرده‌ایم، من چند سرفصل کوتاه را عرض میکنم.

• یکی اینکه شاگرد را معلم مثل فرزند خودش بداند.

○ شما در مورد پسر خودتان یا دختر خودتان چه آرزوهایی دارید؟ نمیخواهید خوشبخت، سربلند، عاقل و باسواد باشد؟ نمیخواهید رفتار او در جوامع و خانواده‌ها، احترام‌برانگیز باشد؟ عین همینها را از این شاگردتان هم بخواهید.

○ یعنی کار شما در درجه‌ی اول درس دادن است، اما در خلال هر درسی — حتی گاهی با یک کلمه — با رفتار، با کردار، با بیان، ایمان را، صلاح را، صلاحیتهای انسانی را در این شاگرد پرورش بدهید.

• یک نکته‌ی دیگر تشویق دانش‌آموزان به حضور در مراکز نورآفرین مثل مساجد و هیئتها.

○ به تجربه ثابت شده جوانی که با مسجد سر و کار دارد و ارتباط دارد، خیرش بیشتر به جامعه میرسد؛ یعنی احتمالش بیشتر است.

• یک نکته در مورد رفتار معلم، اهتمام به حضور دانش‌آموز در مدرسه است.

○ ممکن است که ما بگوییم با فضای مجازی و ارتباط ویدئویی و امثال اینها میشود درس را تعلیم داد، اما دانش‌آموز، غیر از یادگیری و شنیدن درس، احتیاج دارد به اینکه بین همسالان و همسالان خود حضور داشته باشد؛ این هم‌افزایی ایجاد میکند، این خیلی مهم است. مدرسه موضوعیت دارد.

یکی از چیزهایی که از معلمین عزیز و محترم انتظار میرود این است که احساس هویت ایرانی و اسلامی و شخصیت ملی را در کودکان این کشور باید زنده کنید.

• مسئله‌ی زبان، ملیت، پرچم مهم است؛ دلبسته باید باشد؛

• بایستی این هویت‌شناسی ملی و شخصی را در دانش‌آموز زنده کنید؛

• [دانش‌آموز] باید به ایرانی بودن خودش افتخار کند. البته افتخار هم دارد. فقط هم با اینکه [بگوییم] «افتخار کنید»، با توصیه، درست نمیشود.

○ مفاخر ملی، سابقه‌ی فرهنگی، عزت تاریخی، وقتی که به نوجوان و جوان نشان داده بشود، در او احساس عزت به وجود می‌آید.

○ دیگران تاریخی ندارند، برای خودشان تاریخ درست میکنند، ما این همه گذشته‌ی تاریخی پر از حماسه و پُر از شجاعت و پُر از صفات عالی‌ه‌ی بشری و انسانی و اجتماعی داریم، اینها مسکوت میماند.

ما از معلم توقع داریم احساس مسئولیت کند اما در مقابل، در قبال معلم هم باید احساس مسئولیت بشود.

• این احساس مسئولیت [هم] در همه‌ی ابعاد است؛ فقط مسئله‌ی معیشت نیست.

• مسئله‌ی تجربه‌آموزی است،

• مسئله‌ی مهارت‌آموزی است؛

• همین چیزهایی که حالا سرپرست محترم در سخنرانی‌شان گفتند

• [مثل] آموزشهای ضمن خدمت و

• همین رسیدگی به دانشگاه فرهنگیان.

خب، چند جمله هم در باب اصل مسئله‌ی آموزش و پرورش عرض میکنیم.

یک مطلب درباره‌ی جایگاه آموزش و پرورش در نظام مدیریت کشور است.

• این را باید اول به بعضی بفهمانیم. به نظر بنده، بعضی هنوز قادر نیستند نقش آموزش و پرورش را در پیشرفت همه‌جانبه‌ی کشور درک کنند.

• به نظر بنده، عبور از گردنه‌های دشوار پیشرفت — که ما دنبال پیشرفت همه‌جانبه‌ی کشور هستیم و در این مسیر گردنه‌های دشواری وجود دارد — بدون کمک آموزش و پرورش ممکن نیست.

یک نکته‌ی مهم که غالباً در آموزش و پرورش ما از آن عبور میشود و به آن توجه نمیشود، مسئله‌ی ثبات مدیریت است.

• در این دستگاه به این عظمت، به این اهمیت، ما دچار بی‌ثباتی هستیم.

• یکی می‌آید یک برنامه‌ای میریزد، یک کاری را شروع میکند، [با رفتن او] نیمه‌کاره رها میشود، دیگری می‌آید.

• ببینید، همه‌ی فعالیت‌های دیربازده به ثبات مدیریت احتیاج دارد، از جمله آموزش و پرورش که خب فعالیتش خیلی دیربازده است.

یک نکته‌ی دیگر در باب آموزش و پرورش مسئله‌ی انطباق یا عدم انطباق نظام آموزشی و نظام ساختاری آموزش و پرورش با نیازهای کشور است.

• ساختار آموزش و پرورش ما — مثلاً وضع کلاس‌بندی‌های دبستان و دبیرستان یا [برنامه‌ریزی‌های] منطقه‌ای و امثال

اینها — و همچنین ترتیب درسی و علمی در این دستگاه عظیم، چقدر با نیازهای کشور تطبیق میکند؟

• البته در شورای عالی انقلاب فرهنگی هم باید فکر کنند و آن شورای عالی آموزش [و پرورش] باید روی این فکر کنند، مدیران اجرایی آموزش و پرورش هم باید روی این فکر کنند.

○ همان قدر که به نیروی مغزافزار نیاز است، به بازوی کارافزار هم نیاز است، در سطح کشور، در همه‌ی بخشها؛

این را چه جوری تنظیم میکنیم؟ همان اندازه‌ای که به نرم‌افزار نیاز داریم، به سخت‌افزار نیاز داریم.

○ خب الان نسبت این آموزشهای عمومی که در دبیرستان‌های ما رایج است، با آموزش فنی و حرفه‌ای آیا نسبت متعادلی است؟

○ یا این مسیر کنونی دبیرستان‌های ما؛ مسیر کنونی یک مسیری است به سمت دانشگاه؛ آیا این ضروری است؟

واقعاً باید همه همین‌طور بیایند عبور کنند بروند به سمت دانشگاه؟

○ آیا ما منابع انسانی خودمان را که ارزشمندتر از منابع مادی هستند، درست داریم توزیع میکنیم؟ منابع انسانی ما همین نوجوانانها و همین جوانهای ما هستند دیگر؛ توزیع اینها در بخشهای مختلف آموزشی توزیع درستی است؟ اینها مهم است.

○ بالاخره سیاست اصلی در آموزش و پرورش باید سودمند بودن آموزشها برای آیندهی کشور باشد. ما فردا در کشور به چه چیزی احتیاج داریم؟ این را بایستی فکر کنیم.

یک نکتهی دیگر مسئلهی تحوّل در آموزش و پرورش و مسئلهی این سند تحوّل (سند تحوّل بنیادین آموزش و پرورش) است

- اولاً بایستی سند تحوّل دائماً به روزرسانی بشود.
- ثانیاً برای اجرای سند تحوّل یک نقشه‌ی راه لازم است؛ سند تحوّل چیز خوبی است، اما در واقعیت، در محیط تعلیم و تربیت، انسان اثری و نشانی از سند تحوّل نمیبیند؛ این برای این است که نقشه‌ی راه تهیه نشده.
- نکتهی سوم این است که این نقشه‌ی راه باید از سوی دولت و مجلس حمایت بشود، کمک بشود.
- دیگر اینکه برای سند تحوّل، یک بدیلی و رقیبی درست نکنند. سند تحوّل یک سند متقن و محکم و خوبی است؛ دیگر از یک گوشه‌ای باز یک سند دیگری سر درنیارود برای تحوّل، همه را متحیر کند که چه کار کنیم، چه کار نکنیم.
- دیگر اینکه در این نقشه‌ی راهی که اشاره کردم، شاخصهای قابل اندازه‌گیری وجود داشته باشد. بعد هم آموزش و پرورش به طور دائم مورد رصد قرار بگیرد که آیا تحقق پیدا کرد، در این مسیر پیشرفت حاصل شد، انجام گرفت یا نگرفت.
- اینها لازم است؛ یعنی صرف اینکه ما یک سند درست کردیم کافی نیست.

یک مطلب مهمّ دیگر در مسائل آموزش و پرورش جذب معلّم است که این واقعاً سرنوشت‌ساز است.

- ما امروز با کمبود معلّم کارآمد و متعهد روبه‌رو هستیم.
- راه حلّش این است: باید سرمایه‌گذاری کنیم. اگر نیاز به معلّم کارآمد و متعهد و مسؤل، مورد قبول است این سرمایه‌گذاری لازم دارد، تلاش لازم دارد. دستگاه‌های مراکز تربیت معلّم، از جمله مهم‌ترین دانشگاه فرهنگیان، باید تقویت بشوند که بتوانند کار را پیش ببرند؛ هم زیرساخت‌هایشان تقویت بشود، هم ظرفیتهایشان افزایش پیدا کند.
- البتّه علاوه‌ی بر این، شایستگی‌های حرفه‌ای معلّم و شایستگی‌های عمومی معلّم هم در طول خدمت بایستی رصد بشود؛
- اول کار اهمّیت دارد، لکن ادامه هم اهمّیت دارد.
- و راهش این است که ضوابط گزینش کم‌رنگ نشود؛ خب یک مقداری سختی‌هایی دارد، [اما] نگذارند این سختی موجب بشود که این ضوابط کم‌رنگ بشود.
- از معلّمین مجربّ مؤمن قدیمی هم باید استفاده بشود.

یک مطلب دیگری که باز این هم مهم است، مسئله‌ی کتابهای درسی است.

- نوع تألیف کتاب — در هر رشته‌ای [باشد] فرق نمیکند؛ چه در رشته‌های علوم انسانی، چه در رشته‌های علوم ریاضی یا طبیعی — باید جوری باشد که دانش‌آموز را سر شوق بیاورد.
  - مفاهیم اسلامی در کتابها بیاید؛
    - همان‌طور که عرض کردم، اینها میتواند در همه‌ی رشته‌های درسی بیاید، منتها به تناسب؛ در کتاب رشته‌ی علوم انسانی یک جور، مثلاً در کتاب رشته‌ی علوم طبیعی یک جور دیگر، اما میتواند بیاید؛
  - هم مفاهیم اسلامی، هم مفاخر اسلامی و ایرانی. در کتابهای علمی، مفاخر ایرانی معرفی بشوند.
    - ما مفاخر علمی را معرفی کنیم به جوانهایمان، اکتشافات علمی اینها را معرفی کنیم. در تاریخ علمی دنیا به وسیله‌ی ایرانی‌ها کارهای بزرگی انجام گرفته؛ اینها را به جوانهایمان بگوییم؛ این تشویق میکند او را، سر شوق می‌آورد.
  - و البته شیوه‌ی کتاب‌نویسی هم بایستی جذاب باشد، به‌روز باشد، مبتکرانه باشد.
    - حالا اینکه میگویند زمانه تغییر کرده و تغییر میکند — که بنده هم قبول دارم — بعضی‌ها که میگویند زمانه تغییر میکند، مرادشان این است که اصول تغییر کند. اتفاقاً اصول تغییر نمیکند؛ آنچه تغییر پیدا میکند همین روبناها است؛ یکی‌اش همین است: کتاب را به شیوه‌ی جدید [بنویسید].
- یک مطلب دیگر مسئله‌ی برون‌سپاری است.
- شأن تعلیم و تربیت شأن دولتی است؛ هیچ نظامی نمیتواند این شأن را از خودش دور کند، از نظام قابل تفکیک نیست.
  - بنابراین، مسئله‌ی برون‌سپاری معنی‌ای ندارد؛ این شأن دستگاه حاکم قابل واگذاری نیست.
  - در این باره — که شأن، شأن دولتی است — من میخواهم دو نکته‌ی فرعی عرض بکنم
    - یکی مسئله‌ی مدارس دولتی است. تقویت مدارس دولتی مهم است.
    - نباید در کشور جوری باشد که وقتی گفته میشود «مدرسه‌ی دولتی»، اولین چیزی که در مقابل انسان نقش میندازد ضعف مدرسه باشد؛ این نباید باشد.
    - پس یکی اینکه مدرسه‌ی دولتی بایستی از آموزش خوب، از معلم خوب، از فضای آموزشی خوب بهره‌مند بشود.
  - مسئله‌ی دوّم مدارس غیر دولتی است.
    - لکن به مجموعه‌ی مدارس غیر دولتی هم باید نظارت داشت. آموزش و پرورش خودش را فارغ نداند از نظارت بر این مدارس.
    - البته عرض کردم این به معنای آن نیست که آن ابتکاراتشان و کارهای نویی که در بعضی از این مدارس انجام میدهند نادیده گرفته بشود یا جلویش گرفته بشود؛ معنایش این نیست.

مسئله‌ی آخر و بسیار مهم مسئله‌ی امور پرورشی است.

- این برنامه‌های پرورشی باید در مدرسه دیده بشود. در مدارس [از برنامه‌های پرورشی] خبر چندانی نیست؛ حالا یک جاهایی ممکن است در بعضی از مدارس باشد. باید امور پرورشی تا داخل مدارس امتداد داشته باشد.
- بسیاری از مدارس معاون پرورشی ندارند، مسئول پرورشی ندارند؛ باید حتماً تأمین بشود.
- یک نکته‌ی دیگر هم در مورد مسائل پرورشی این است که باید کار پرورشی جذاب باشد، بچه‌ها را فراری نباید بدهد؛
  - تقویت هویت ملی،
  - تقویت عشق به میهن،
  - تقویت پرچم ملی،
  - تعلیم سبک زندگی اسلامی و ایرانی، در شمار اصلی‌ترین کارهایی است که بایستی انجام بگیرد.

ما به آینده‌ی آموزش و پرورش امیدوار هستیم و ان شاء الله که خدای متعال کمک میکند و شما معلمان محترم میتوانید کارهای بزرگی را انجام بدهید. ان شاء الله هر چه زودتر تکلیف مدیریت وزارت آموزش و پرورش هم معلوم بشود و مسئولین آموزش و پرورش هم قرص و محکم بچسبند به کار، ان شاء الله کار را پیش ببرید. به روح شهدای آموزش و پرورش درود میفرستیم و آرزو میکنیم که خدای متعال ما را هم به آنها ملحق کند و قلب مقدس ولی عصر را از همه‌ی ما و شما خشنود کند، روح مطهر امام بزرگوار را هم از ما خشنود کند.

والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته